

مدیریت، مدیریت نوشتار و مدیریت سود

فریدون رهنمای رودپشتی*، عبدالرضا محسنی**

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۶/۰۸

چکیده

فصاحت و بلاغت استفاده شده در توصیف‌ها، برای درک اطلاعات کمی حائز اهمیت است. با این وجود، هنگامی که انگیزه‌های نمایندگی وجود دارد، کلام استفاده شده در متن‌های توصیفی می‌تواند خواننده را فریب داده و بصورت راهبردی و نه برای اهداف اطلاع‌رسانی استفاده شود. مدیریت نوشتار یا مدیریت لحن نوشتار عبارت است از انتخاب لحن نوشتار در متن‌های کیفی به گونه‌ای که با اطلاعات کمی همراه آن منطبق نباشد. مدیریت نوشتار می‌تواند با اهدافی مشابه مدیریت سود به نحوی فرصت طلبانه و به منظور دستکاری ادراک استفاده‌کنندگان از اطلاعات بنیادی شرکت استفاده شود. مدیریت نوشتار علاوه بر اینکه به باور پذیر شدن ارقام کمک می‌کند، قادر است از طریق انتقال بار مثبت، بر ادراک استفاده‌کنندگان موثر باشد. هدف نخست تحقیق حاضر بررسی رابطه بین لحن نوشتار و عملکرد مالی است. هدف دیگر تحقیق، آزمون تجربی بکارگیری فرصت طلبانه مدیریت نوشتار بصورت همزمان با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. قلمرو زمانی تحقیق سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ است. برای آزمون فرضیات تحقیق از همبستگی، تحلیل رگرسیون خطی چندگانه و تحلیل رگرسیون لجستیک استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین لحن نوشتار در گزارش هیات مدیره درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت با عملکرد مالی شرکت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد بین مدیریت نوشتار و مدیریت سود رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و انتظار می‌رود مدیریت نوشتار و مدیریت سود بصورت همزمان بوسیله شرکت‌ها استفاده شوند.

واژه‌های کلیدی: لحن نوشتار، مدیریت نوشتار، مدیریت لحن نوشتار، مدیریت سود، اقلام تعهدی اختیاری.

طبقه‌بندی موضوعی: G11, M41

DOI: 10.22051/jera.2017.9465.1242

* استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه حسابداری، تهران، ایران،

(rahnama.roodposhti@gmail.com)

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، گروه حسابداری، بوشهر، ایران. (نویسنده مسئول)،

(mohseni.abdoreza@yahoo.com)

مقدمه

عموم مردم غالباً گزارشگری مالی در حسابداری را به عنوان گزارش اعداد و ارقام می‌دانند. این در حالی است که بیشتر تحقیقات و تحلیل‌های اخیر بر زبان حسابداری به عنوان واسطه‌ای که از طریق آن شرکت‌ها با افراد بیرونی ارتباط برقرار می‌کنند، تمرکز نموده‌اند (هالز و همکاران، ۲۰۱۰).

زبان حسابداری می‌تواند به صورت و صفتی باشد، که به طور فزاینده‌ای حائز اهمیت است. زیرا بلندتر و پیچیده‌تر می‌شود. علاوه بر این، جملات وصفی به تهیه کنندگان گزارش‌های سالانه اجازه می‌دهد تا اطلاعات و توضیح‌های جزئی‌تر دیگری درباره رویدادها افشاء کنند (کلاتورثی و جونز، ۲۰۰۳؛ مرکل-دیویس و برنان، ۲۰۰۷). افزایش اهمیت توصیف‌های حسابداری می‌تواند به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی که بر اثر محدودیت‌های استانداردهای حسابداری کنونی رخ می‌دهد، کمک کند (کلاتورثی و جونز، ۲۰۰۳؛ هانگ و همکاران، ۲۰۱۴). در نتیجه، اعداد و ارقام حسابداری در کنار توصیف‌های حسابداری می‌تواند اطلاعات بنیادی شرکت را بهتر نشان دهد.

نامه مدیر ارشد اجرایی یک سند توصیفی مهم است که از آن طریق مدیریت این فرصت را دارد که نظرات و ارزش‌ها را برای سهامداران بیان کند (آمرنیک و همکاران، ۲۰۱۰). مطالعات پیشین نشان داده است نامه مدیر ارشد اجرایی پر تناوب‌ترین بخش خواننده شده در گزارش سالانه است (برای مثال، کورتیس، ۱۹۹۸؛ کلاتورثی و جونز، ۲۰۰۳). بنابراین، همانطور که قدرت مدیر ارشد اجرایی افزایش یافته (آمرنیک و همکاران، ۲۰۱۰) و اهمیت زبان حسابداری به طور فزاینده‌ای حیاتی شده است، لحن نوشتار یعنی استفاده از عبارات مثبت و منفی، در این نامه‌ها به نقطه عطفی برای درک شرکت تبدیل شده است (کارلسون و لامپتی، ۲۰۱۵).

با افزایش حجم توصیف‌های حسابداری، مدیران شرکت‌ها می‌توانند با استفاده از لحن نوشتار یعنی بوسیله مدیریت نوشتار، از مزیت این فرصت‌ها برای منحرف کردن ادراک افراد استفاده کنند. شیپر (۱۹۸۹) یک پدیده دیگر در خصوص دستکاری مدیریت به نام مدیریت سود را تایید می‌کند. مطالعات پیشین و اخیر در زمینه مدیریت سود از طریق شواهد تجربی، وجود آن را تایید می‌نماید. یکی از زمینه‌های مدیریت سود، مدیریت سود مبتنی بر اقلام

تعهدی است، که در سیستم تعهدی فعلی حسابداری نمایان می‌شود و اجازه رفتار مدیریت سود را می‌دهد (توه و همکاران، ۱۹۹۸).

تحقیق حاضر کمک زیادی به تئوری‌های حسابداری می‌کند. این مطالعه شواهد تجربی و تحلیلی عمیقی از رابطه بین مدیریت نوشتار با عملکرد مالی و مدیریت سود ارائه می‌دهد. تحقیقات پیشین در زمینه مدیریت نوشتار در ابتدا به بررسی تأثیر فرصت طلبی‌های مدیریت بر سرمایه‌گذاران و واکنش قیمت‌های سهام پرداخته‌اند (برای نمونه، فلدمن و همکاران، ۲۰۱۰؛ تان و همکاران، ۲۰۱۴). علاوه بر آن، در مطالعات گذشته محققان از ارقام تعهدی به عنوان متغیر کنترلی در مطالعات لحن نوشتار استفاده نموده‌اند (برای مثال، فلدمن و همکاران، ۲۰۱۰؛ لی، ۲۰۱۰؛ هانگ و همکاران، ۲۰۱۴). هرچند هانگ و همکاران (۲۰۱۴) وجود رابطه بین مدیریت نوشتار و ارقام تعهدی را نشان دادند، ولی هدف اصلی تحقیق آن‌ها و مطالعات پیشین ذکر شده، تحلیل رابطه بین مدیریت نوشتار و مدیریت سود نبوده است. بعلاوه این مطالعات وجود مدیریت نوشتار را در بحث و تحلیل‌های مدیریتی، در اعلامیه‌های فشرده سود و نامه مدیر ارشد اجرایی بررسی می‌کنند. بیشتر تحقیقات گذشته در کشورهای دیگر از جمله مطالعه کارلسون و لامپتی (۲۰۱۵) که مشخصاً رابطه بین مدیریت نوشتار و مدیریت سود را بررسی می‌کند، پیرامون مدیریت نوشتار در نامه مدیر ارشد اجرایی بوده است. از میان گزارش‌هایی که شرکت‌ها در ایران تهیه می‌کنند، گزارشی که می‌توان به لحاظ شکل و محتوا نزدیک به این نامه دانست، گزارش هیات مدیره درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت به مجمع عمومی صاحبان سهام است. با توجه به ویژگی‌هایی که این گزارش از آن برخوردار است، شرایط مناسبی برای دستکاری مدیریت در آن فراهم می‌شود. به گونه‌ای که مدیریت می‌تواند از آن برای اهداف راهبردی از طریق مدیریت نوشتار در کنار اهداف اطلاع‌رسانی استفاده کند. بنابراین با توجه به اینکه مدیریت نوشتار در گزارش فعالیت هیات مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام و نیز ترکیب آن با مدیریت سود تاکنون بررسی نشده است و با توجه به اهمیت تأثیر آن بر ادراک سرمایه‌گذاران، انگیزه مطالعه حاضر قرار گرفته است.

مروری بر پیشینه پژوهش

در مطالعات گذشته، نامه مدیر ارشد اجرایی یا اسناد مشابه آن مانند بحث و تحلیل‌های مدیریت، به عنوان یک بخش ارتباطی مهم در گزارش سالانه تشریح شده، و در خصوص تأثیر

آن بر سرمایه گذاران و دیگر استفاده کنندگان گزارش سالانه بحث شده است (برای مثال، آبراهام و امیر، ۱۹۹۶؛ آمرنیک و کریگ، ۲۰۰۷؛ پاتلی و پدرینی، ۲۰۱۴). از طریق نامه مدیر ارشد اجرایی، مدیریت اجازه می‌یابد عقاید، ارزش‌ها و دیدگاه‌های خود را برای سهامداران بیان کند، بنابراین این نامه بینشی در خصوص انگیزش و قصد مدیران ارشد اجرایی ارائه می‌دهد (آمرنیک و همکاران، ۲۰۱۰). از این رو نامه مدیر ارشد اجرایی می‌تواند یک نظر اجمالی از عملکرد و فعالیت‌های شرکت باشد (کلاتورثی و جونز، ۲۰۰۳). در نتیجه، توصیف‌های حسابداری گنجانده شده در نامه مدیر ارشد اجرایی به دست‌آویزی برای فرصت‌طلبی و دستکاری مدیریت بدل شده است (کلاتورثی و جونز، ۲۰۰۶). علاوه بر آن، پتانسیل رفتار خودخواهانه با این واقعیت شدت می‌یابد که برای مثال در انگلستان حساب‌برسان توصیف‌ها را برای اطمینان یافتن از اینکه آن‌ها بطور با اهمیتی مطابق با صورت‌های مالی هستند، بررسی می‌کنند، اما جوانب دیگر مانند لحن نوشتار در این بررسی در نظر گرفته نمی‌شوند (کلاتورثی و جونز، ۲۰۰۶).

بر اساس هانگ و همکاران (۲۰۱۴) می‌توان از مدیریت نوشتار به عنوان ابزاری برای مخفی کردن اطلاعات بنیادی شرکت استفاده کرد. آن‌ها مدیریت نوشتار را به عنوان لحن غیر عادی نوشتار، یعنی سطح لحنی غیر همسان با اطلاعات بنیادی شرکت می‌دانند. همچنین آن‌ها استدلال نمودند لحن غیر عادی نوشتار می‌تواند بصورت فرصت طلبانه ای برای بهبود فهم گزارش‌های مالی و در نتیجه گمراه کردن سرمایه گذاران با استفاده از کلمات مثبت برای مخفی کردن عملکرد ضعیف شرکت به کار گرفته شود. این موضوع می‌تواند یک وضعیت دشوار ایجاد کند. زیرا استفاده کنندگان از گزارش‌های سالانه ادراک کمتر دقیقی درباره شرکت دارند. تهیه کنندگان گزارش‌های سالانه از این واقعیت آگاهی دارند که نامه مدیر ارشد اجرایی رایج‌ترین بخش خوانده شده است (کورتیس، ۱۹۹۸)، و این آگاهی به نوبه خود انگیزه‌ای برای تهیه کنندگان به وجود می‌آورد که لحن نوشتار خود را به منظور تغییر درک و بدون ارائه کردن داده‌های نادرست، مدیریت کنند. توماس (۱۹۹۷) دیدگاه خود را در مورد مشکلات مربوط به نامه‌های مدیران، اینگونه بیان می‌کند "نامه‌های مدیران، پیشنهاد می‌دهد، مطلبی را می‌رساند، اما دروغ نمی‌گوید".

از این رو، می‌توان نتیجه گرفت مدیرانی که برای دستکاری ادراک استفاده کنندگان دارای انگیزه هستند، می‌توانند بین ارایه اطلاعات با حالت منفی یا مثبت انتخاب نمایند. در همین

رابطه، هانگ و همکاران (۲۰۱۴) به مطالعات پیشین در خصوص مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اشاره می‌کند، و نتیجه می‌گیرد که اقلام تعهدی مشابه هدف مدیریت نوشتار به منظور دستکاری کردن ادراک استفاده‌کنندگان نسبت به اطلاعات بنیادی شرکت، مدیریت می‌شوند. مدیریت نوشتار می‌تواند برای دستکاری ادراک استفاده‌کنندگان نسبت به شرکت استفاده شود و این موضوع، عدم تقارن اطلاعاتی را موجب می‌شود. مشابه با هدف مدیریت نوشتار، اقلام تعهدی می‌تواند بصورت فرصت طلبانه‌ای به منظور دستکاری ادراک استفاده‌کنندگان نسبت به اطلاعات بنیادی شرکت مدیریت شود. از این رو مدیران می‌توانند از طریق نامه مدیر ارشد اجرایی، از مدیریت نوشتار استفاده کنند تا بصورت بالقوه مدیریت سود را پنهان نمایند و از این طریق استفاده‌کنندگان از اطلاعات بنیادی شرکت را به اشتباه بیاندازند (کارلسون و لامپتی، ۲۰۱۵).

کارلسون و لامپتی (۲۰۱۵) نشان می‌دهد مدیریت نوشتار برای گمراه کردن سرمایه‌گذاران نسبت به اطلاعات بنیادی شرکت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین مدیریت نوشتار موجب تسهیل انگیزه‌های مدیریت در پوشش اطلاعات بنیادی ضعیف شرکت شده و بعنوان مکمل مدیریت سود استفاده می‌شود.

با مرور مبانی نظری پشتیبان مدیریت نوشتار و مدیریت سود مشخص می‌شود، وجه مشترک هر دو رفتار، قصد و نیت مدیریت برای شکل دهی و یا متاثر ساختن ادراک استفاده‌کنندگان نسبت به اطلاعات بنیادی شرکت است. بعلاوه وجود انگیزه‌های مشابه سببی این دو رفتار، گمان همزمانی آن‌ها را توجیه می‌کند. در بیانی مشابه، لی (۲۰۱۰) چنین استدلال می‌کند که اقلام تعهدی و لحن نوشتار می‌تواند بوسیله مدیران برای مخایره پیام‌هایی درباره عملکرد مالی شرکت در آینده استفاده شوند. بعلاوه هنگامی که انگیزه‌هایی برای گمراه کردن سرمایه‌گذاران وجود دارد، در این صورت محتمل است که بین اقلام تعهدی و لحن نوشتار در بحث و تحلیل‌های مدیریتی رابطه‌ای مثبت وجود داشته باشد.

در راستای مبانی نظری، در تحقیق حاضر این موضوع بررسی می‌شود که آیا مدیران از مدیریت سود و مدیریت نوشتار به عنوان مکمل یکدیگر استفاده می‌کنند. علاوه بر آن، آیا بین عملکرد مالی جاری شرکت و لحن نوشتار در گزارش هیات مدیره درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت به مجمع عمومی صاحبان سهام رابطه وجود دارد.

مدیریت نوشتار

ویژگی‌های زبان شناسی و تحلیل متنی حسابداری در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. لی (۲۰۰۸) پیچیدگی خواندن در گزارش‌های سالانه را بررسی نموده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که خواندن افشاءهای شرکت‌هایی با پایداری سود کمتر، دشوارتر است یا به عبارت دیگر قابلیت خواندن آن‌ها کمتر است. لی یک رابطه واضح بین خصوصیات زبان شناسی در افشاءهای شرکت و عملکرد شرکت را مشخص نموده و اینطور نتیجه می‌گیرد که عملکرد شرکت رابطه مثبتی با قابلیت خواندن گزارش سالانه آن دارد. علاوه بر آن، وی با بررسی دیگر ویژگی‌های واژگان، مانند استفاده از کلمات منفی و مثبت (لحن نوشتار) در افشاءها این مسیر را ادامه می‌دهد. وی نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که بیشتر از کلمات مثبت به جای کلمات منفی در بحث و تحلیل‌های مدیریت استفاده می‌کنند، سودهای با پایداری کمتر دارند. به صورت مشابه، رودرورد (۲۰۰۵) توضیح می‌دهد که انتخاب‌های ادیبانه (فصاحت و بلاغت) مانند ویژگی‌های واژگان، انتخاب کلمات، فراوانی استفاده و پیچیدگی واژگان بر درک توصیف‌های حسابداری تأثیر می‌گذارد. علاوه بر آن وی نتیجه می‌گیرد که معمولاً نامه مدیریت به سهامداران، بدون در نظر گرفتن نتایج مالی، بار مثبت دارد.

مدیریت نوشتار در زمینه حسابداری و رشته‌های دیگر موضوع تحقیقات فراوان پیشین بوده است. در حسابداری و گزارشگری مالی، صاحب نظران به طور عمده از این مفهوم برای بررسی تأثیر لحن نوشتار بر رفتار سرمایه‌گذاران استفاده نموده‌اند (برای مثال، دیویس و تاما-سویت، ۲۰۱۲؛ هانگ و همکاران، ۲۰۱۴؛ تان و همکاران، ۲۰۱۴). هانگ و همکاران (۲۰۱۴) مدیریت نوشتار را به این صورت تعریف می‌کنند "انتخاب سطح لحن نوشتار در متن‌های کیفی به گونه‌ای که با اطلاعات کمی همزمان، منطبق نیست". بر اساس استدلال هانگ و همکاران (۲۰۱۴)، استفاده از فصاحت و بلاغت در توصیف، برای درک اطلاعات کمی حائز اهمیت است. با این وجود، هنگامی که انگیزه‌های نمایندگی وجود دارند، کلام می‌تواند خواننده را فریب دهد و بنابراین به طور راهبردی استفاده شود و نه با هدف اطلاع‌رسانی.

تان و همکاران (۲۰۱۴) با اشاره به هانگ و همکاران (۲۰۱۴) استدلال نمودند که اثر احساسی زبان، با نحوه استفاده از کلمات مثبت و منفی ارتباط دارد. با ثابت نگه داشتن محتوای اطلاعات، آن‌ها بررسی کردند که آیا مدیریت نوشتار برای تأثیر گذاشتن بر درک سرمایه

گذاران استفاده می‌شود. بر خلاف مطالعات دیگر در زمینه مدیریت نوشتار، تان و همکاران (۲۰۱۴) همزمانی اثر احساسی زبان و قابلیت خواندن اعلامیه‌های فشرده سود را بررسی نمودند. آن‌ها استدلال نمودند که اثر احساسی زبان یک اثر پیکربندی صفات است. در این شرایط، ادراک افراد پیرامون اقلام یکسان، با توجه به میزانی که آن اقلام به صورت مثبت یا منفی توصیف می‌شوند، تغییر می‌کند. با توجه به پیکربندی صفات، آن‌ها دریافتند که زبان مثبت (در مقابل زبان خنثی) منجر به تأثیر چارچوبی مثبت می‌شود، به گونه‌ای که شرکت کنندگان در تحقیق صرف نظر از میزان مهارت سرمایه‌گذار، عملکرد شرکت را بهتر از آنچه توسط ارقام مالی بیان شده است، ارزیابی می‌کنند. آن‌ها دریافتند هنگامی که قابلیت خواندن پایین است، از نظر سرمایه‌گذاران ماهرتر، لحن مثبت نوشتار باور پذیری کمتری دارد. در نتیجه قضاوت‌های آن‌ها در خصوص سود در مقایسه با اطلاعات بنیادی شرکت پایین تر خواهد بود. آن‌ها چنین نتیجه می‌گیرند که علت سودهای کمتر تخمین زده شده، اثر معکوس استفاده از زبان مثبت است.

بر اساس مرور ادبیات مربوطه و ویژگی‌های مشترک مطالعات گذشته، به نظر می‌رسد انگیزه‌های پنهان مدیریت در استفاده از جلوه زبان، تعیین کننده لحن نوشتار است. ممکن است شرکت‌هایی که مورد توجه رسانه‌ها هستند انگیزه داشته باشند بر ادراک خواننده تأثیر گذاشته و برای محدود کردن دخالت بیرونی، در مدیریت نوشتار درگیر شوند (کورتیس، ۱۹۹۸). به همین ترتیب، هانگ و همکاران (۲۰۱۴) پی بردند که مدیریت نوشتار زمانی استفاده می‌شود که انگیزه‌ای برای فریب دادن سرمایه‌گذاران وجود دارد، برای نمونه زمانی که مدیریت هدفی برای دستیابی یا غلبه دارد. این بحث توسط هنری (۲۰۰۸) با این توضیح تقویت می‌شود که توانایی شرکت برای مدیریت نمودن لحن نوشتار بستگی به اطلاعات بنیادی شرکت در مقایسه با پیش‌بینی تحلیلگران دارد. وی بیان می‌کند که مدیریت نوشتار می‌تواند با توصیف نتایج و رویدادها با یک زبان مثبت محقق شود و انتظارات مثبتی در رابطه با آینده فراهم آورد. علاوه بر آن، دیویس و تاما-سوئیت (۲۰۱۲) تأکید می‌کنند که مدیریت انگیزه دارد با اعمال زبان کمتر بدبینانه، لحن نوشتار را در اعلامیه‌های فشرده سود، مدیریت نماید تا از این طریق واکنش قیمت سهام به اخبار منفی را به حداقل برساند. این دلیل بیان شده توسط دیویس و تاما-سوئیت (۲۰۱۲) مطابق است با هانگ و همکاران (۲۰۱۴) و تان و همکاران (۲۰۱۴)، که می‌گویند عملکرد مالی منفی می‌تواند با استفاده از لحن مثبت نوشتار، پنهان شود.

گزارش‌های سالانه مدیریت

در مطالعات پیشین از مجاری مختلف ارتباطی مدیریت برای ارزیابی مدیریت نوشتار استفاده شده است. که می‌توان از گزارش بحث و تحلیل‌های مدیریت، اعلامیه فشرده سود و نامه سالانه مدیریت ارشد اجرایی به سهامداران نام برد. در بسیاری از تحقیقات گذشته از نامه مدیر ارشد اجرایی به عنوان مجرای اصلی ارتباطی مدیریت با سهامداران برای مرور عملکرد شرکت یاد شده است. آمرنیک و همکاران (۲۰۱۰) ادعا می‌کنند نامه‌های مدیر ارشد اجرایی به سهامداران در گزارش‌های سالانه، مثال‌های مهمی از استفاده از زبان در افشاءهای انجام شده بوسیله رهبران ارشد شرکت می‌باشند. این نامه‌ها متون حسابداری توصیفی می‌باشند که بینش‌های ارزشمندی در مورد انگیزش، دیدگاه و مدل‌های ذهنی مدیریت ارائه می‌کنند. همچنین، مک کونل و همکاران (۱۹۸۶) سرمایه‌گذاران را ترغیب می‌کنند مفاهیم را متوجه شوند، و "نگاه دقیقی" به زبان نامه‌ها داشته باشند، زیرا زبان می‌تواند با توجه به عملکرد مالی شرکت متفاوت باشد.

در تحقیق حاضر از گزارش سالانه هیات مدیره درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت به مجمع عمومی صاحبان سهام به عنوان مجرای ارتباطی مدیریت با سهامداران استفاده شده است. این گزارش از جنبه‌های مختلف از جمله اختیارات مدیریت در زمینه تهیه و تنظیم شکلی و محتوایی، تا حد زیادی شبیه به نامه سالانه مدیر ارشد اجرایی به سهامداران است.

طبق ماده ۲۳۲ قانون تجارت، هیات مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی، گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت تنظیم و به مجمع عمومی عادی سالانه ارائه دهد. همچنین بر اساس بند ۳ ماده ۴۵ قانون بازار اوراق بهادار، شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، مکلف به ارائه آن طبق دستورالعمل اجرایی سازمان، می‌باشند (فریدونی، ۱۳۹۱).

با توجه به الزامات قانونی فوق و نظر به فقدان یک ساختار مشخص برای گزارش فعالیت و وضع عمومی شرکت و نیز پراکندگی زیاد در محتوا و نوع اطلاعات منتشره در این گزارشها، سازمان بورس و اوراق بهادار در چارچوب وظائف و اختیارات خود و به منظور تامین نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران، تدوین گزارش نمونه "فعالیت و وضع عمومی شرکت" را در دستور کار خود قرار داد. با این حال، این نمونه گزارش که به عنوان یک الگو در اختیار شرکت‌ها

قرار گرفت، نتوانست چارچوبی ساختار یافته و با درجه استاندارد سازی بالا فراهم آورد. از این رو آزادی عمل و اختیارات زیادی به مدیریت داده شده و مدیر می‌تواند ضمن عمل به توصیه‌های مطروحه در گزارش نمونه، شکل و محتوای گزارش را تغییر دهد.

مدیریت سود

هیلی و واهلن (۱۹۹۹) مدیریت سود را به این صورت تعریف می‌کنند، شرایطی که مدیریت از فرصت قضاوت، برای فریب سهامداران درباره اطلاعات بنیادی شرکت یا تأثیر بر دستاوردهای قراردادی، سوء استفاده می‌نماید. استانداردهای حسابداری برای سازگاری با محیط‌های حسابداری مختلف ایجاد می‌شوند، از این رو عنصر قضاوت ضروری است (هیلی و واهلن، ۱۹۹۹). بورگستالر و همکاران (۲۰۰۶) توضیح می‌دهند که در نهایت این مدیریت است که می‌تواند محتوای اطلاعاتی بیشتر و یا کمتر سود را وابسته به استفاده از اطلاعات نگهداری شده بصورت خصوصی شکل دهد. رحمانی و اربابی بهار (۱۳۹۳)، از آن جایی که تهیه صورت‌های مالی به عهده مدیریت واحد تجاری است، مدیریت ممکن است به دلایل مختلف اقدام به مدیریت سود کند. مدیریت سود بر محتوای اطلاعاتی سود گزارش شده تأثیر می‌گذارد. کردستانی و تاتلی (۱۳۹۳)، مدیریت سود هم خوب است و هم بد. اگر چه مدیریت سود کم می‌تواند محتوای اطلاعات حسابداری را بهبود بخشد، رفتار فرصت طلبانه با دستکاری سود، قابلیت اتکای اطلاعات را کاهش داده و کیفیت سود را خراب می‌کند. کریمی و رهنمای رودپشتی (۱۳۹۴)، مدیریت سود کارا بر خلاف مدیریت سود فرصت طلبانه، موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. از این نظر، مدیریت سود پدیده‌ای سودمند برای استفاده کنندگان بیرونی اطلاعات محسوب می‌شود. در مدیریت سود از نوع کارا، هدف افزایش مطلوبیت سهامداران و استفاده کنندگان صورت‌های مالی است.

بر اساس هیلی و واهلن (۱۹۹۹) تمایل به فریب سهامداران می‌تواند شامل محدود کردن دسترسی سهامداران به اطلاعات به منظور کاهش شفافیت اطلاعات باشد. لئوز و همکاران (۲۰۰۳) بیان می‌کنند شرکت‌ها انگیزه دارند با ارائه نادرست عملکرد شرکت، سهامداران را فریب دهند. بنابراین با استفاده از مدیریت سود به عنوان نتیجه‌ای از تضاد منافع بین شرکت‌ها و سهامداران، عملکرد صحیح را پنهان می‌کنند. کریمی و رهنمای رودپشتی (۱۳۹۴)، این نوع مدیریت سود را به عنوان مدیریت سود فرصت طلبانه می‌نامند و بیان می‌کنند در این نوع

مدیریت سود، مدیران به منظور حداکثر کردن مطلوبیت خود، سود را به گونه ای فرصت طلبانه گزارش می کنند.

اقلام تعهدی، به دو دسته تقسیم می شوند. اقلام تعهدی غیراختیاری (عادی) آنهایی هستند که با عملکرد بنیادی شرکت مرتبط اند. در مقابل اقلام تعهدی اختیاری (غیر عادی) آنهایی هستند که مازاد بر عادی باشند (دیجو و همکاران، ۲۰۱۰). از این رو، اقلام تعهدی غیر عادی توسط اطلاعات بنیادی شرکت توضیح داده نمی شوند و بنابراین می تواند به عنوان شاخصی از سوء استفاده مدیریت از انعطاف پذیری گزارشگری استفاده شود (هیلی و واهلن، ۱۹۹۹؛ جیجر و نرت، ۲۰۱۱). بر همین اساس، پژوهشگران گذشته و کنونی، (برای مثال، گادفری و همکاران، ۲۰۰۳؛ لی، ۲۰۰۸؛ هانگ و همکاران، ۲۰۱۴) معتقدند مدیریت از اقلام تعهدی اختیاری به عنوان ابزاری برای دستکاری درک سرمایه گذاران در مورد عملکرد صحیح شرکت استفاده می کنند. مشایخی و همکاران (۱۳۸۴)، از آنجا که وجوه نقد حاصل از عملیات، کمتر می تواند مورد دستکاری و اعمال نظر مدیریت قرار گیرد، شرکت هایی که با عملکرد ضعیف تجاری روبرو بوده و وجوه نقد حاصل از عملیات کمی گزارش می کنند، به منظور گمراهی بازار و یا دلایل دیگر، سود گزارش شده خود را از طریق افزایش اقلام تعهدی اختیاری افزایش می دهند. تحقیقات گذشته نشان می دهد که از اقلام تعهدی اختیاری برای مدیریت سود استفاده می شود. بنابراین از آن می توان به عنوان نماینده مناسبی برای مدیریت سود استفاده نمود.

فرضیات پژوهش

در تحقیقات پیشین، محققان رابطه بین عملکرد شرکت و لحن نوشتار را در انواع مختلف نامه های مدیریت بررسی نموده اند. آمرنیک و کریگ (۲۰۰۷)، مرک-دیویس و برنان (۲۰۰۷) و هنری (۲۰۰۸) بیان می کنند لحن نوشتار وابسته به اینکه شرکت ها با سود زیاد یا کم مواجه هستند، مدیریت می شود. زمانی که سود زیاد است، مدیریت تمایل به استفاده از لحن مثبت در توصیف های حسابداری و در نتیجه مدیریت خوب دارد. هانگ و همکاران (۲۰۱۴) بیان می کنند زمانی که ارائه اطلاعات خنثی است، خوش بینی در لحن نوشتار، رابطه مثبتی با عملکرد دارد. این استدلال مطابق است با دیویس و تاما-سوئیت (۲۰۱۲)، که شواهد مشابهی در زمینه لحن نوشتار خوش بینانه و عملکرد مالی ارائه می کنند. کارلسون و لامتی (۲۰۱۵) نیز

نشان دادند بین لحن نوشتار در نامه مدیر ارشد اجرایی و عملکرد مالی جاری شرکت رابطه مثبتی وجود دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد تفکر رایج در میان محققان ذکر شده این باشد که به طور کلی لحن نوشتار در نامه‌های مدیر ارشد اجرایی مثبت است. بعلاوه رابطه بین لحن نوشتار و عملکرد مالی جاری، مثبت می‌باشد. با بهره‌گیری از تحقیقات گذشته، فرضیه نخست تحقیق بصورت زیر بیان می‌شود.

فرضیه ۱: بین لحن نوشتار و عملکرد مالی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

هیلدبرانت و اسنایدر (۱۹۸۱) نتیجه می‌گیرند که بدون توجه به نتایج مالی، کلمات مثبت با تناوب بیشتر نسبت به کلمات منفی در نامه‌های مدیر ارشد اجرایی استفاده می‌شوند. آن‌ها توضیح می‌دهند که یک سال بد مالی شامل عبارات مثبتی خواهد بود که اطلاعات بنیادی شرکت را منعکس نمی‌کند، و این یعنی استفاده غیر عادی از لحن نوشتار. به همین ترتیب، رودرفورد (۲۰۰۵) یافته‌هایی را ارائه می‌کند که نشان می‌دهد نامه‌های مدیریت توسط کلمات مثبت احاطه شده‌اند، و استدلال هیلدبرانت و اسنایدر (۱۹۸۱) را توجیه می‌کند. به علاوه، رودرفورد (۲۰۰۵) می‌گوید شرکت‌های زیان‌ده از واژگانی مانند سود و سودها، بیش از شرکت‌های سودده استفاده می‌کنند. تحقیقات هیلدبرانت و اسنایدر (۱۹۸۱) و رودرفورد (۲۰۰۵)، تفکر استفاده بالقوه از لحن مثبت غیر عادی در نوشتار هنگامی که عملکرد شرکت منفی است را تایید می‌کند. با توجه به هانگ و همکاران (۲۰۱۴)، می‌توان نتیجه گرفت شرکت‌های زیان‌ده انگیزه دارند درک استفاده کنندگان را تغییر دهند. در نتیجه انگیزه بیشتری برای استفاده از لحن مثبت غیر عادی در گزارش‌های منتشر شده در مقایسه با شرکت‌های سودده دارند. اگر چه این دیدگاه غالب تحقیقات گذشته است، با این حال در تحقیق کارلسون و لامپتی (۲۰۱۵) شواهد تجربی متفاوتی مشاهده می‌شود. یافته‌های آن‌ها نشان داد، نمی‌توان نتیجه گرفت که مدیریت هنگامی که اطلاعات زیربنایی شرکت ضعیف است، از لحن مثبت غیر عادی در نوشتار سوء استفاده می‌کند. با این حال با پیروی از دیدگاه غالب، فرضیه زیر ارائه می‌شود:

فرضیه ۲: بین لحن مثبت غیر عادی نوشتار و عملکرد مالی ضعیف رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

بر اساس توضیحات ارائه شده پیرامون مدیریت نوشتار و مدیریت سود، مشخص شد هدف مدیریت در هر دو رفتار مشابه است. مدیریت در هر دو رفتار به دنبال تأثیر گذاشتن یا شکل دهی ادراک استفاده کنندگان درباره اطلاعات بنیادی شرکت از جمله در مورد عملکرد مالی است. با افزایش انگیزه‌های توجیه کننده این دو رفتار، تفکر پشتیبان وجود همزمان این دو، توجیه می‌شود. لی (۲۰۱۰) توضیح می‌دهد که اقلام تعهدی و لحن نوشتار می‌تواند بوسیله مدیران، برای بیان عملکرد آتی شرکت استفاده شود. علاوه بر آن، زمانی که انگیزه فریب سرمایه گذاران وجود دارد، ممکن است رابطه مثبتی بین اقلام تعهدی و لحن نوشتار در بحث و تحلیل‌های مدیریت وجود داشته باشد. به صورت مشابه، هانگ و همکاران (۲۰۱۴) در یک تحلیل گسترده تر، موضوع همزمانی مدیریت نوشتار و مدیریت سود به هنگام دستکاری ادراک سرمایه گذاران از طریق اعلامیه‌های فشرده سود را به منظور آرایه شواهدی در خصوص اینکه آیا این دو رفتار مکمل و یا جایگزین یکدیگر هستند، بررسی نمودند. به طور خلاصه، آن‌ها دریافتند که رابطه بین اقلام تعهدی اختیاری و لحن غیر عادی نوشتار از نظر آماری مثبت و معنی دار است. این موضوع استفاده مدیریت از هر دو رفتار به صورت همزمان را به اثبات می‌رساند. این استدلال توسط شراند و والتر (۲۰۰۰) نیز ارائه شده است، آن‌ها بیان می‌کنند افشاء راهبردی در اعلامیه‌های سود با مدیریت سود مرتبط است. کارلسون و لامتی (۲۰۱۵) نیز نشان دادند بین مدیریت لحن نوشتار در نامه مدیر ارشد اجرایی و مدیریت سود، رابطه مثبتی وجود دارد. به نظر می‌رسد این موضوعی منطقی است که ارقام اغراق آمیز و غیرواقعی حاصل از مدیریت سود، برای باور پذیری توسط خواننده به کلمات و جملات مثبت و فریبنده نیاز دارند. بنابراین می‌توان رابطه مثبتی بین لحن غیرعادی نوشتار در گزارش هیات مدیره درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت و اقلام تعهدی اختیاری پیش‌بینی کرد. بر همین اساس فرضیه سوم بصورت زیر بیان می‌شود.

فرضیه ۳: بین لحن غیرعادی نوشتار و اقلام تعهدی اختیاری رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر مبنای هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی است. همچنین از نظر ماهیت و روش از نوع پژوهش‌های توصیفی-همبستگی قلمداد می‌شود. در این پژوهش به منظور تدوین

مبانی و مفاهیم نظری و نیز برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. قلمرو زمانی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ برای این پژوهش در نظر گرفته شده است. در این پژوهش به منظور نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک استفاده شده است. بطوریکه، کلیه شرکت‌های عضو جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده‌اند، به‌عنوان نمونه انتخاب، و سایر شرکت‌ها حذف شده‌اند:

۱. به‌منظور افزایش هم‌سنجی و همسان‌سازی شرایط انتخابی شرکت‌ها، پایان سال مالی شرکت‌ها ۲۹ اسفندماه می‌باشد.
۲. به دلیل متفاوت بودن ماهیت اقتصادی شرکت‌هایی نظیر شرکت سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ، بانک و لیزینگ از سایر شرکت‌ها، این شرکت‌ها از نمونه حذف شده‌اند.
۳. اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای تحقیق در دسترس باشد.

همچنین داده‌های مورد نیاز پژوهش نیز از اطلاعات مالی مندرج در صورت‌های مالی حسابرسی شده و گزارش هیات مدیره درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت استخراج شده است. با اعمال محدودیت‌های فوق، تعداد ۶۳ شرکت برای بازه زمانی ۸ ساله انتخاب گردید و از مجموع ۵۰۴ سال-شرکت به عنوان مشاهدات، تعداد ۱۱ سال-شرکت به واسطه عدم دسترسی به گزارش هیات مدیره کنار گذاشته شده است. در نهایت تعداد ۴۹۳ مشاهده برای آزمون فرضیات در دسترس قرار گرفت. تحلیل محتوای گزارش هیات مدیره درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت برای تشخیص لحن نوشتار به کمک نرم افزار تحلیل محتوای MAXQDA نسخه ۱۰ انجام شده است. داده‌های جمع‌آوری شده، بو سیله صفحه گسترده اکسل اصلاح و طبقه‌بندی شده و تجزیه و تحلیل نهایی به کمک نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و نرم‌افزار Stata نسخه ۱۲ انجام شده است.

مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه نخست پژوهش از مدل کارلسون و لامتی (۲۰۱۵) استفاده شده که بصورت زیر است:

$$TONE_{it} = \beta_0 + \beta_1 EARN_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 BTM_{it} + \beta_4 RET_{it} + E_{it}$$

معادله ۱

متغیر وابسته

TONE: شاخصی برای سنجش لحن نوشتار است. مجموع لحن نوشتار شرکت به عنوان سطح عادی لحن نوشتار بعلاوه سطح غیر عادی لحن نوشتار تفسیر می شود. پژوهشگران برای سنجش لحن نوشتار در گزارش های مدیران از روش های گوناگونی استفاده نموده اند. دو روش معمول برای تحلیل محتوا، یکی روش لغت نامه و دیگری روش آماری است (لی، ۲۰۱۰). از بین این دو روش، روش لغت نامه در تحقیقات مالی رایج تر است و کلمات را بر اساس قواعد از پیش تعریف شده در طبقات مختلف قرار می دهد (لی، ۲۰۱۰؛ لوقران و مک دونالد، ۲۰۱۱). از طرف دیگر روش آماری متکی به تکنیک های آماری مانند اندازه گیری رابطه بین فراوانی کلید واژه های معین است (لی، ۲۰۱۰).

در این تحقیق از روش لغت نامه استفاده شده است. در تحقیق حاضر از آخرین نسخه لغت نامه لوقران و مک دونالد (۲۰۱۱) که در سال ۲۰۱۵ به روز شده و از طریق سایت (<http://www3.nd.edu>) در دسترس است، استفاده شده است. این لغت نامه شامل تعداد ۳۵۴ کلمه مثبت و تعداد ۲۳۵۵ کلمه منفی است. از ترجمه این لغت نامه برای تحلیل محتوای گزارش هیات مدیره درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت با استفاده از نرم افزار MAXQDA برای شناسایی و شمارش کلمات مثبت و منفی متن ها استفاده شده است. برای مثال این نرم افزار به ما کمک می کند تا کلمات مثبت (مثل مطلوب، عالی و سود) و کلمات منفی (نامطلوب، ضعیف و زیان) را درون متن ها شمارش نماییم.

در نهایت بر اساس کارلسون و لامتی (۲۰۱۵) متغیر لحن نوشتار (TONE) بصورت زیر محاسبه می شود:

$$TONE = \frac{\text{لغات منفی} + \text{لغات مثبت}}{\text{لغات منفی} - \text{لغات مثبت}}$$

معادله بالا برابر با یک مقیاس با حداقل ۱- و حداکثر ۱+ است. لحن نوشتار صفر نشان دهنده استفاده خنثی از لغات مثبت یا منفی است، در حالی که ۱- (+۱) نشان دهنده عدم استفاده از لغات مثبت (منفی) می باشد.

متغیر مستقل

EARN: شاخصی برای سودآوری است که از تقسیم سود خالص بر مجموع دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

متغیرهای کنترلی

SIZE: لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت است. BTM: شاخصی برای فرصت رشد است که از تقسیم ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام بدست می‌آید. RET: شاخصی برای فرصت رشد است. در اینجا از بازده سالانه سهام استفاده می‌شود.

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل کارلسون و لامتی (۲۰۱۵) استفاده شده که بصورت زیر است:

$$ABPOTONE_{it} = \beta_0 + \beta_1 LOSS_{it} + \beta_2 EARN_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 BTM_{it} + \beta_5 RET_{it} + E_{it}$$

معادله ۲

متغیر وابسته

ABPOTONE: شاخصی است برای مدیریت نوشتار. این متغیر نوعی متغیر توضیحی است. هنگامی که لحن غیرعادی نوشتار (ABTONE) مثبت است، مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد. لحن غیرعادی نوشتار در اینجا به عنوان شاخص دیگری برای مدیریت نوشتار محسوب می‌شود و پیرو هانگ و همکاران (۲۰۱۴) لحن غیرعادی نوشتار (ABTONE) به صورت ارزش باقیمانده هنگام کسر کردن لحن عادی نوشتار از مجموع لحن نوشتار، محاسبه می‌شود. به عبارت دیگر لحن غیرعادی نوشتار، جمله خطا در معادله اول است.

متغیر مستقل

LOSS: شاخصی است برای عملکرد مالی ضعیف و نوعی متغیر توضیحی است. هنگامی که نرخ بازده دارایی‌ها (EARN) منفی است مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد.

متغیرهای کنترلی

تعریف سایر متغیرها همانند همان چیزی است که در فرضیه نخست بیان شده است. برای آزمون فرضیه سوم پژوهش از مدل کارلسون و لامتی (۲۰۱۵) استفاده شده که بصورت زیر است:

$$ABTONE_{it} = \beta_0 + \beta_1 ABACC_{it} + \beta_2 LOSS_{it} + \beta_3 EARN_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 BTM_{it} + \beta_6 RET_{it} + E_{it}$$

معادله ۳

متغیر وابسته

ABTONE: تعریف آن مشابه آن چیزی است که در فرضیه دوم بیان شده است.

متغیر مستقل

ABACC: شاخصی برای مدیریت سود است و در اینجا از ارقام تعهدی اختیاری استفاده می‌شود. در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز ۱۹۹۸ که توسط کوتاری و همکاران در سال ۲۰۰۵ ارائه گردیده است، استفاده می‌شود. این مدل به صورت زیر بوده و برای هر صنعت بصورت مجزا تخمین زده می‌شود.

$$\frac{TA}{Assets_{t-1}} = \alpha + \beta_1 \frac{1}{Assets_{t-1}} + \beta_2 \frac{(\Delta sales_t - \Delta Rec_t)}{Assets_{t-1}} + \beta_3 \frac{PPE_t}{Assets_{t-1}} + \beta_4 ROA + e_t$$

معادله ۴

TA: مجموع ارقام تعهدی است. $Assets_{t-1}$: مجموع دارایی‌های ابتدای دوره است. $\Delta Sales_t$: تغییرات در درآمد فروش نسبت به سال قبل است. PPE_t : خالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در پایان سال است. ROA: نرخ بازده دارایی‌ها است. e_t : ارقام تعهدی اختیاری است.

در پژوهش حاضر از ارقام تعهدی سرمایه در گردش استفاده می‌شود. مجموع ارقام تعهدی در این روش از معادله زیر به دست می‌آید (نیکومرام و همکاران، ۱۳۸۸):

$$TA = \Delta CA - \Delta Cash - \Delta Cl + \Delta STDEBT - Dep (Amo)$$

معادله ۵

TA: مجموع ارقام تعهدی است. ΔCA : تغییر در دارایی جاری است. $\Delta Cash$: تغییر در وجه نقد است. ΔCL : تغییر در بدهی جاری است. $\Delta STDEBT$: تغییر در حصه جاری بدهی بلند مدت است. $Dep(Amo)$: استهلاک دارایی ثابت مشهود (نامشهود) است.

متغیرهای کنترلی

تعریف سایر متغیرها همانند فرضیه نخست است.

یافته‌های پژوهش

خلاصه آمارهای توصیفی متغیرهای استفاده شده در این پژوهش در نگاره (۱) ارائه شده است.

نگاره (۱): خلاصه آمارهای توصیفی

متغیرها	علامت	مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین	میان	بیشترین
لحن نوشتار	TONE	۴۹۳	۰/۰۶۴	۰/۲۳۴	-۰/۷۱۴	۰/۰۷۲	۰/۶۸۰
لحن غیرعادی نوشتار	ABTONE	۴۹۳	۰/۰۰۰	۰/۲۲۷	-۰/۷۶۰	۰/۰۱۴	۰/۶۵۹
لحن مثبت غیرعادی نوشتار	ABPOTONE	۴۹۳	۰/۵۲۹	۰/۵۰۰	۰	۱	۱
ارقام تعهدی اختیاری	ABACC	۴۹۳	۰/۰۰۵	۰/۱۲۹	-۰/۶۵۹	-۰/۰۰۳	۰/۷۱۳
بازده سالانه سهام	RET	۴۹۳	۰/۴۴۴	۰/۹۲۶	-۰/۷۱۷	۰/۱۴۷	۸/۱۰۳
سودآوری	EARN	۴۹۳	۰/۱۳۷	۰/۲۰۱	-۰/۲۲۳	۰/۰۸۵	۱/۸۶۹
عملکرد مالی ضعیف	LOSS	۴۹۳	۰/۰۹۷	۰/۲۹۷	۰	۰	۱
اندازه	SIZE	۴۹۳	۱۳/۶۶۴	۱/۳۹۲	۱۱/۰۲۳	۱۳/۵۵۴	۱۸/۴۵۴
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	BTM	۴۹۳	۰/۷۳۲	۰/۵۷۵	-۱/۸۱۷	۰/۵۷۶	۳/۵۲۸

میانگین و میانه متغیر لحن نوشتار به ترتیب ۶/۴٪ و ۷/۲٪ است که نشان می‌دهد سطح کلی لحن نوشتار در گزارش هیات مدیره درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت معمولاً مثبت است. میانگین و میانه لحن غیر عادی نوشتار به ترتیب نزدیک صفر و ۱/۴٪ است که با توجه به اینکه لحن غیر عادی نوشتار جمله خطا در مدل رگرسیون لحن نوشتار است، کوچک بودن مقادیر آن مورد انتظار بوده است. میانگین لحن مثبت غیر عادی نوشتار ۵۳٪ است، که نشان می‌دهد گرایش لحن غیر عادی نوشتار به سمت مثبت است.

نگاره (۲) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون را ارائه می‌نماید. هدف از ارائه این نتایج از یک طرف بررسی رابطه میان متغیرها بصورت دو به دو، و از طرف دیگر کشف مسئله هم خطی میان متغیرهای مستقل مدل‌ها قبل از تحلیل رگرسیون چندگانه است. همانطور که در این جدول مشاهده می‌شود مقادیر ضرایب متغیرها به اندازه ای است که مسئله هم خطی میان متغیرهای مستقل وجود ندارد. اگر چه ضرایب همبستگی بین متغیرهای لحن نوشتار، لحن غیر عادی نوشتار و لحن مثبت غیر عادی نوشتار بزرگتر از ۰/۷ است، با این حال مسئله هم خطی بین این متغیرها در مدل‌ها وجود ندارد. زیرا این متغیرها بصورت همزمان در یک مدل استفاده نمی‌شوند.

نگاره (۲): ضریب همبستگی پیرسون

ردیف	متغیرها	علائم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱	لحن نوشتار	TONE	۱							
۲	لحن غیر عادی نوشتار	ABTONE	**۰/۹۶۸	۱						
۳	لحن مثبت غیر عادی نوشتار	ABPOTONE	**۰/۷۵۶	**۰/۷۸۵	۱					
۴	قلام تمهیدی اختیاری	ABACC	۰/۰۷۵	۰/۰۸۱	۰/۰۷۲	۱				
۵	بازده سالانه سهام	RET	۰/۰۱۹	۰/۰۰۰	۰/۰۱۱	۰/۰۳۴	۱			
۶	سودآوری	EARN	*۰/۰۹۰	۰/۰۰۰	-۰/۰۴۴	*۰/۱۱۴	**۰/۱۵۶	۱		
۷	عملکرد مالی ضعیف	LOSS	*-۰/۱۱۰	-۰/۰۸۱	-۰/۰۷۴	۰/۰۱۳	-۰/۰۱۱۰	**۰/۳۳۵	۱	
۸	اندازه	SIZE	**۰/۲۲۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	-۰/۰۷۱	۰/۰۳۰	-۰/۰۸۶	۰/۰۲۲	۱
۹	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	BTM	-۰/۰۱۶	۰/۰۰۰	۰/۰۴۱	-۰/۰۰۵	-۰/۰۲۴	-۰/۲۳۰	-۰/۰۱۳	-۰/۰۲۹

** و * به ترتیب دلالت بر معنی داری در سطح ۱٪ و ۵٪ دارد.

نتایج آزمون فرضیه اول

برای آزمون همسانی واریانس و عدم وجود خود همبستگی میان جملات خطا به ترتیب از آزمون بروش پاگان و آزمون والد ریچ استفاده شده است. آماره‌ها و نتیجه این دو آزمون در نگاره شماره (۳) نشان داده شده است.

نگاره (۳): نتایج آزمون همسانی واریانس و عدم وجود خود همبستگی خطاها

آزمون	آماره	سطح معنی داری	نتیجه
بروش پاگان	۰/۶۴	۰/۰۲۵۱	ناهمسانی واریانس خطاها
والد ریچ	۱/۱۹۴	۰/۲۷۸۷	عدم وجود خود همبستگی خطاها

همانطور که در نگاره شماره (۳) نشان داده شده است، فرضیه صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس‌ها رد می‌شود. بنابراین به منظور رفع ناهمسانی واریانس از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است.

یکی از فروض مهم مدل‌های رگرسیون خطی، نرمال بودن توزیع جملات خطا است که برای آزمون آن از آماره آزمون کلموگروف اسمیرنوف استفاده شده است.

نگاره (۴): نتایج آزمون نرمال بودن جملات خطا

آزمون	آماره	سطح معنی داری	نتیجه
کلموگروف اسمیرنوف	۰/۸۲۲	۰/۵۰۹	نرمال بودن جملات خطا

با توجه به سطح معنی داری مشاهده شده، نمی‌توان فرض صفر مبنی بر نرمال بودن جملات خطا را رد نمود. با توجه به اینکه داده‌های استفاده شده در این تحقیق از نوع داده‌های ترکیبی است، قبل از تخمین مدل‌ها لازم است روش تخمین (تلفیقی یا تابلویی) مشخص گردد. برای این منظور از آزمون چاو استفاده شده است. در ضمن برای تعیین اثرات ثابت و یا تصادفی که در صورت انتخاب روش پانل ضرورت می‌یابد، آزمون هاسمن مورد استفاده قرار گرفته است.

نگاره (۵): نتایج آزمون چاو و آزمون هاسمن

آزمون	آماره	سطح معنی داری	نتیجه
چاو	۵/۲۶	۰/۰۰۰	روش تابلویی
هاسمن	۵/۳۱	۰/۲۵۶۷	اثرات تصادفی

همانطور که در نگاره شماره (۵) نشان داده شده، برای تخمین مدل فرضیه نخست تحقیق از روش تابلویی و اثرات تصادفی استفاده شده است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه نخست تحقیق در نگاره شماره (۶) ارایه شده است.

نگاره (۶): نتایج آزمون فرضیه اول

متغیرها	علائم	ضرایب	آماره Z	سطح معنی داری	VIF
مقدار ثابت	(Constant)	-۰/۴۸۹	-۴/۷۸	۰/۰۰۰	
سودآوری	EARN	۰/۱۳۰	۲/۵۰	۰/۰۱۲	۱/۰۵۱
اندازه	SIZE	۰/۰۳۹	۵/۳۱	۰۰۰ .۰	۱/۰۱۰
نسبت ارزش دفتری به بازار	BTM	۰/۰۰۰	-۰/۱۷	۰/۸۶۵	۱/۰۹۶
بازده سالانه سهام	RET	-۰/۰۰۱	-۰/۱۳	۰/۸۹۵	۱/۰۹۵
ضریب تعیین			۰/۰۷۳		
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۰۶۵		
آماره F			۳۲/۵۸		
سطح معنی داری			۰/۰۰۰		

مطابق با انتظارات، نتایج ارایه شده در نگاره شماره (۶) نشان می‌دهد ضریب متغیر سودآوری دارای علامت مثبت و مقدار ۰/۱۳۰ است، که نشان‌دهنده رابطه مثبت لحن نوشتار و سودآوری است. سطح معنی داری مشاهده شده ۰/۰۱۲ بوده و نشان می‌دهد این رابطه از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار است. از این شواهد می‌توان در تایید فرضیه نخست تحقیق استفاده نمود. تفسیر نتایج نشان می‌دهد لحن نوشتار در گزارش هیات مدیره درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت با عملکرد مالی یا همان سودآوری و نیز اندازه شرکت مرتبط است. این رابطه نشان می‌دهد سطح لحن نوشتار در گزارش‌های هیات مدیره، هم راستا با وضعیت سودآوری شرکت افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت عملکرد جاری شرکت عاملی مهم و تعیین‌کننده در استفاده از زبان مثبت در مقابل منفی است. به هر میزان شرکت‌ها دارای عملکرد مالی بهتری باشند از زبان مثبت تری در گزارش‌های خود استفاده می‌نمایند. به عبارت دیگر لحن نوشتار در گزارش‌ها بر اساس کم یا زیاد بودن سود شرکت‌ها مدیریت می‌شود و هر چقدر شرکت دارای سود بیشتری باشد، از کلمات مثبت بیشتری در مقابل کلمات منفی در گزارش‌های خود استفاده می‌کند. در این شرایط مدیر در تلاش است تا ضمن تأثیر گذاری بر

ادراک استفاده کنندگان از طریق بار معنایی مثبت، عملکرد مطلوب شرکت را به مدیریت خوب خود نسبت دهد.

نتایج آزمون فرضیه دوم

از آنجائیکه مقادیر متغیر وابسته در مدل فرضیه دوم یعنی لحن مثبت غیر عادی نوشتار، می تواند مقادیر صفر و یا یک بگیرد، لذا از رگرسیون لجستیک برای آزمون این فرضیه استفاده شده است.

نگاره (۷): نتایج آزمون چاو و آزمون هاسمن

آزمون	آماره	سطح معنی داری	نتیجه
چاو	۴/۳۷	۰/۰۰۰	روش تابلویی
هاسمن	۳/۳۰	۰/۶۵۴۴	اثرات تصادفی

همانطور که در نگاره شماره (۷) نشان داده شده است. برای تخمین مدل فرضیه دوم تحقیق از روش تابلویی و اثرات تصادفی استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم تحقیق در نگاره شماره (۸) ارایه شده است.

نگاره (۸): نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیرها	علائم	ضرایب	آماره Z	سطح معنی داری
مقدار ثابت	(Constant)	۱/۵۸۱	۰/۸۰	۰/۴۲۲
عملکرد مالی ضعیف	LOSS	-۰/۷۵۸	-۱/۷۱	۰/۰۸۸
سودآوری	EARN	-۱/۲۷۳	-۱/۷۲	۰/۰۸۵
اندازه	SIZE	-۰/۰۸۶	-۰/۶۰	۰/۵۴۷
نسبت ارزش دفتری به بازار	BTM	۰/۰۰۳	۰/۴۶	۰/۶۴۴
بازده سالانه سهام	RET	۰/۰۴۵	۰/۳۷	۰/۷۱۳
ضریب تعیین		۰/۰۰۱		
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۰۰۱		
آماره F		۵/۲۶		
سطح معنی داری		۰/۳۸۵۲		

فرضیه دوم تحقیق احتمال مشاهده لحن مثبت غیر عادی نوشتار در گزارش هیات مدیره به موازات کاهش در عملکرد مالی (زیان ده بودن) را بررسی می کند. همانطور که نتایج در نگاره

شماره (۸) نشان می‌دهد علامت متغیر عملکرد مالی ضعیف، منفی است که نشان می‌دهد افزایش در این متغیر به کاهش در متغیر وابسته می‌انجامد. با این حال نتایج از نظر آماری معنی دار نیست و نمی‌توان در مورد آن نتیجه‌گیری نمود. شواهد بدست آمده از فرضیه دوم تحقیق پشتیبانی نمی‌کند. بنابراین نمی‌توان نتیجه گرفت که مدیریت هنگامی که اطلاعات زیربنایی شرکت ضعیف است، از لحن مثبت غیرعادی در نوشتار سوءاستفاده می‌کند. انتظار این بود که شرکت‌ها در هنگام مواجهه با عملکرد مالی ضعیف، از لحن مثبت غیرعادی در نوشتار استفاده کنند. تا از طریق آن، ضعف در اطلاعات زیربنایی شرکت را کم رنگ نموده یا پنهان نمایند. برای توجیه این تعارض در یافته‌ها، لازم است نگاهی دقیق‌تری به مشاهدات شود.

بررسی مشاهدات نشان می‌دهد در ۲۶۱ مورد یعنی در ۵۳٪ مشاهدات، مدیریت نوشتار از طریق اعمال لحن مثبت غیرعادی صورت گرفته است. این بدان معنی است که مدیران از لحن مثبت غیرعادی در گزارش‌های خود برای تأثیر گذاری بر ادراک استفاده کنندگان در مورد اطلاعات زیربنایی شرکت استفاده می‌کنند. بررسی بیشتر مشاهدات نشان داد در ۲۰ مورد از مجموع ۴۸ مشاهده با عملکرد مالی ضعیف، مدیریت نوشتار از طریق اعمال لحن مثبت غیرعادی صورت گرفته است و نکته مهم تر اینکه این مشاهدات مربوط به شرکت‌هایی است که بصورت میانگین در ۳/۴ سال متوالی عملکرد مالی ضعیفی داشته‌اند. می‌توان نتیجه گرفت این توالی زیان دهی باعث هوشیاری و تحریک حساسیت استفاده کنندگان نسبت به انطباق اطلاعات کمی و کیفی در گزارش‌های شرکت شده است و به همین دلیل این شرکت‌ها در سال‌های بعد که بصورت میانگین ۱/۲ سال بوده است، دیگر قادر به استفاده از مدیریت نوشتار نبوده‌اند.

نتایج آزمون فرضیه سوم

نتایج آزمون همسانی واریانس و عدم وجود خود همبستگی میان جملات خطا در جدول شماره ۹ نشان داده شده است.

تکراه (۹): نتایج آزمون همسانی واریانس و عدم وجود خود همبستگی خطاها

نتیجه	سطح معنی داری	آماره	آزمون
ناهمسانی واریانس خطاها	۰/۰۰۰	۱۹۶/۰۱	بروش پاگان
عدم وجود خود همبستگی خطاها	۰/۲۳۲۰	۱/۴۵۷	والدریج

همانطور که در نگاره شماره (۹) نشان داده شده است، فرضیه صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس‌ها رد می‌شود. بنابراین به منظور رفع ناهمسانی واریانس از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است.

نگاره (۱۰): نتایج آزمون نرمال بودن جملات خطا

آزمون	آماره	سطح معنی داری	نتیجه
کلموگروف اسمیرنف	۰/۷۸۷	۰/۵۶۵	نرمال بودن جملات خطا

با توجه به سطح معنی داره مشاهده شده در نگاره بالا، نمی‌توان فرض صفر مبنی بر نرمال بودن جملات خطا را رد نمود.

نگاره (۱۱): نتایج آزمون چاو و آزمون هاسمن

آزمون	آماره	سطح معنی داری	نتیجه
چاو	۵/۲۲	۰/۰۰۰	روش تابلویی
هاسمن	۵/۲۲	۰/۴۷۹۶	اثرات تصادفی

همانطور که در نگاره شماره (۱۱) نشان داده شده است. برای تخمین مدل فرضیه سوم تحقیق از روش تابلویی و اثرات تصادفی استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم تحقیق در نگاره شماره (۱۲) ارائه شده است. فرضیه سوم تحقیق رابطه بین لحن غیر عادی نوشتار در گزارش هیات مدیره و ارقام تعهدی اختیاری (غیر عادی) را مورد بررسی قرار می‌دهد. این فرضیه بیان می‌کند رابطه مثبتی بین لحن غیر عادی نوشتار و ارقام تعهدی اختیاری وجود دارد. به این مفهوم که انتظار می‌رود مدیریت نوشتار و مدیریت سود بصورت همزمان استفاده شوند. همانطور که نتایج نشان می‌دهد، ضریب متغیر ارقام تعهدی اختیاری ۰/۱۳۱ و دارای علامت مثبت است. این یافته‌ها نشان می‌دهد همانطور که انتظار می‌رفت بین لحن غیر عادی نوشتار و ارقام تعهدی اختیاری رابطه مثبتی وجود دارد.

A

نگاره (۱۲): نتایج آزمون فرضیه سوم

VIF	سطح معنی داری	آماره Z	ضرایب	علائم	متغیرها
	۰/۵۹۴	۰/۵۳	۰/۰۳۳	(Constant)	مقدار ثابت
۱/۰۲۱	۰/۰۱۷	۲/۳۸	۰/۱۳۱	ABACC	اقدام تعهدی اختیاری
۱/۱۵۵	۰/۰۰۵	-۲/۸۴	-۰/۰۶۴	LOSS	عملکرد مالی ضعیف
۱/۲۰۱	۰/۰۰۲	-۳/۰۹	-۰/۱۱۷	EARN	سودآوری
۱/۰۱۴	۰/۸۱۱	-۰/۲۴	-۰/۰۰۱	SIZE	اندازه
۱/۱۱۷	۰/۹۶۷	-۰/۰۴	۰/۰۰۰	BTM	نسبت ارزش دفتری به بازار
۱/۱۰۵	۰/۹۵۴	۰/۰۶	۰/۰۰۰	RET	بازده سالانه سهام
		۰/۰۱۵			ضریب تعیین
		۰/۰۰۳			ضریب تعیین تعدیل شده
		۱۸/۱۸			آماره F
		۰/۰۰۶			سطح معنی داری

با توجه به تعریف مدیریت نوشتار و مدیریت سود می توان به این نتیجه دست یافت که هدف مدیریت در استفاده از اختیارات خود برای ظهور این دو نوع رفتار، یکسان است و چیزی نیست جز تأثیر گذاری یا شکل دهی ادراک استفاده کنندگان درباره عملکرد شرکت. بنابراین کنترل فراوانی کلمات مثبت و منفی در متن های کیفی یا همان مدیریت نوشتار می تواند برای باورپذیری اطلاعات کمی دستکاری شده، یعنی همزمان با مدیریت سود در گزارش ها استفاده شود.

در اینجا با توجه به انطباق یافته های تحقیق حاضر با تحقیقات گذشته و مبانی نظری مشخص شد، مدیران این توانایی را دارند که در گزارش های خود با نوشتن کلماتی مثل "سود زیاد" عبارت های مثبتی ارائه دهند که تهیج خواننده را به همراه داشته باشد. بنابراین با توجه به همزمانی مشاهده این دو رفتار در گزارش ها، می توان دریافت که مدیران از مدیریت نوشتار با انگیزه های مشابه مدیریت سود در گزارش های خود استفاده می کنند.

نتیجه گیری

ویژگی های زبان شناسی و تحلیل متنی حسابداری در سال های اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در این راستا پژوهش حاضر در ابتدا به بررسی رابطه بین مدیریت نوشتار و

عملکرد مالی، و در ادامه به بررسی رابطه بین مدیریت نوشتار و مدیریت سود به عنوان دو رفتار مشابه مدیران در گزارشگری می‌پردازد. محققان متعددی در گذشته این موضوع را بیان نموده‌اند که گزارش‌های هیات مدیره به سهامداران به عنوان اسناد توصیفی با اهمیتی محسوب می‌شوند که از طریق آن مدیریت فرصت می‌یابد باورها و ارزش‌های خود را به سهامداران منتقل کند. برای مثال هانگ و همکاران (۲۰۱۴) بیان می‌کنند توصیف‌های حسابداری برای درک اطلاعات کمی با اهمیت هستند. البته این توصیف‌ها زمانی سودمند هستند که دارای لحن طبیعی در نوشتار باشند و آن موقعی حاصل می‌شود که لحن نوشتار منعکس‌کننده اطلاعات زیربنایی شرکت باشد. در نتیجه زمانی که مدیریت از مدیریت نوشتار در گزارش‌های خود استفاده می‌کند، عدم تقارن اطلاعاتی می‌تواند افزایش یابد. مشابه با هدف مدیریت نوشتار، اقلام تعهدی می‌تواند بصورت فرصت‌طلبانه‌ای به منظور دستکاری ادراک استفاده‌کنندگان نسبت به اطلاعات بنیادی شرکت مدیریت شود (کارلسون و لامپتی، ۲۰۱۵). بنابراین مدیریت سود و مدیریت نوشتار در هدف مشابه هستند. مدیران با استفاده از مدیریت نوشتار به عنوان یک رفتار، قادر خواهند بود بصورت بالقوه مدیریت سود را پنهان نموده و از این طریق استفاده‌کنندگان از اطلاعات بنیادی شرکت را به اشتباه بیاندازند. وجه مشترک هر دو رفتار، قصد و نیت مدیریت برای شکل‌دهی و یا متاثر ساختن ادراک استفاده‌کنندگان نسبت به اطلاعات بنیادی شرکت است. بعلاوه وجود انگیزه‌های مشابه سببی این دو رفتار، گمان همزمانی آن‌ها را توجیه می‌کند. ریشه نظری چرایی ارتباط بین مدیریت نوشتار و مدیریت سود را می‌توان در دیدگاه لی (۲۰۱۰) مشاهده کرد. آنجا که استدلال می‌آورد، اقلام تعهدی و لحن نوشتار می‌تواند بوسیله مدیران برای مخاברה پیام‌هایی درباره عملکرد مالی شرکت در آینده استفاده شود. در ادامه، کارلسون و لامپتی (۲۰۱۵) استدلال می‌کنند که مدیریت نوشتار موجب تسهیل انگیزه‌های مدیریت در پوشش اطلاعات بنیادی ضعیف شرکت شده و بعنوان مکمل مدیریت سود استفاده می‌شود.

در فرضیه نخست تحقیق رابطه لحن نوشتار و سودآوری شرکت مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که میان سطح لحن نوشتار و سودآوری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. این شواهد نشان می‌دهد سطح لحن نوشتار در گزارش‌های هیات مدیره، هم راستا با وضعیت سودآوری شرکت افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت عملکرد جاری شرکت عاملی مهم و تعیین‌کننده در استفاده از زبان مثبت

در مقابل منفی است. به هر میزان شرکت‌ها دارای عملکرد مالی بهتری باشند از زبان مثبت تری در گزارش‌های خود استفاده می‌نمایند. بر اساس این نتایج، هنگامی که سودآوری شرکت بالاست مدیریت تمایل دارد از یک زبان مثبت در گزارش خود استفاده کند و از این طریق عملکرد مطلوب شرکت را نتیجه مدیریت خوب خود نشان دهد. این نتایج با یافته‌های آمریک (کرینگ (۲۰۰۷)، مرک-دیویس و برنان (۲۰۰۷)، هنری (۲۰۰۸)، دیویس و تاما سوئیت (۲۰۱۲) و کارلسون و لامتی (۲۰۱۵) همسان است.

در فرضیه دوم تحقیق رابطه لحن مثبت غیر عادی نوشتار و عملکرد مالی ضعیف شرکت بررسی شده است. بر اساس شواهد تجربی بدست آمده نمی‌توان نتیجه گرفت که مدیریت هنگامی که اطلاعات زیربنایی شرکت ضعیف است، از لحن مثبت غیر عادی نوشتار سوء استفاده می‌کند. شواهد بدست آمده از فرضیه دوم تحقیق پشتیبانی نمی‌کند. انتظار این بود که شرکت‌ها در هنگام مواجهه با عملکرد مالی ضعیف، به کمک استفاده از مدیریت نوشتار، ضعف در اطلاعات زیربنایی شرکت را کم رنگ نموده یا پنهان نمایند. به عبارت دیگر انتظار این بود که در شرایطی که شرکت عملکرد ضعیفی دارد، لحن نوشتار در گزارش‌های مدیران بواسطه استفاده از مدیریت نوشتار، با اطلاعات کمی ارایه شده در آن‌ها ناهمسان باشد. با بررسی دقیق تر داده‌ها شواهدی بدست آمد که تا حدودی این تعارض در نتایج را توجیه می‌کند. می‌توان چنین استدلال کرد که توالی زیان دهی باعث هوشیاری و تحریک حساسیت استفاده کنندگان نسبت به انطباق اطلاعات کمی و کیفی در گزارش‌های شرکت می‌شود و به همین دلیل شرکت‌های زیان ده پس از چند سال که از مدیریت نوشتار در گزارش‌های خود برای فریب استفاده کنندگان نسبت به اطلاعات بنیادی ضعیف شرکت استفاده می‌کنند، دیگر قادر نخواهند بود به استفاده از این ابزار ادامه دهند. نتایج آزمون این فرضیه با یافته‌های کارلسون و لامتی (۲۰۱۵) همسان و با نتایج هانگ و همکاران (۲۰۱۴)، رودرورد (۲۰۰۵) و هیلدیرانت و اسنایدر (۱۹۸۱) مغایر است.

در فرضیه سوم تحقیق رابطه بین مدیریت نوشتار و مدیریت سود از طریق بررسی رابطه بین لحن غیر عادی نوشتار در گزارش‌ها و اقلام تعهدی اختیاری مورد آزمون قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان دهنده رابطه مثبت بین لحن غیر عادی نوشتار و اقلام تعهدی اختیاری است. به عبارت دیگر نتایج نشان می‌دهد، مدیریت نوشتار و مدیریت سود بصورت همزمان

استفاده می‌شوند. این یافته‌ها با نتایج تحقیق هانگ و همکاران (۲۰۱۴)، لی (۲۰۱۰)، شراند و والتر (۲۰۰۰) و کارلسون و لامتی (۲۰۱۵) همسان است.

در نهایت اینکه مدیریت با استفاده از لحن غیرعادی نوشتار در بیان اطلاعات بنیادی شرکت می‌تواند از طریق تهیج احساسات خوانندگان، بر ادراک آن‌ها نسبت به این اطلاعات موثر باشد. در این شرایط مدیریت نوشتار به ابزاری برای القای مفاهیم و نگرش‌ها در راستای انگیزه‌های فرصت‌طلبانه مدیریت بدل می‌شود. می‌توان نتیجه گرفت زمانی که شرکت‌ها درگیر مدیریت نوشتار هستند، لازم است استفاده‌کنندگان، گزارش‌های مالی را با دقت بیشتری مطالعه کنند تا مفاهیمی که به جای صریح، بصورت ضمنی بیان شده‌اند را یافته و درک کنند. مدیران می‌توانند از طریق گزارش‌های توصیفی خود و با استفاده از مدیریت نوشتار به طور بالقوه رفتار مدیریت سود را مخفی کرده و در نتیجه استفاده‌کنندگان را در مورد اطلاعات بنیادی شرکت فریب دهند. در مجموع شواهد بدست آمده از دیدگاه لی (۲۰۱۰) حمایت نموده و نشان می‌دهد مدیریت نوشتار و مدیریت سود با هدفی مشابه و با انگیزه اثرگذاری بر ادراک استفاده‌کنندگان نسبت به اطلاعات بنیادی شرکت توسط مدیران استفاده می‌شود.

محدودیت‌های پژوهش

مهمترین محدودیت‌های این پژوهش عبارتست از:

- ۱- امکان دسترسی به گزارش‌های هیات مدیره درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت برای برخی سال-شرکت‌ها وجود نداشته است.
- ۲- عدم وجود لغت نامه فارسی در حوزه تحقیقات مالی که بتواند به عنوان ابزاری استاندارد برای سنجش لحن نوشتار استفاده شود. لذا با توجه به استفاده از ترجمه لغت نامه انگلیسی و با عنایت به تفاوت‌های زبانی، در صورت وجود لغت نامه استاندارد به زبان فارسی، قابلیت اتکاء ابزار تحقیق افزایش می‌یافت.

منابع

- رحمانی، علی، و اربابی بهار، زهرا. (۱۳۹۳). رابطه تفاوت مالیات تشخیصی و ابزاری با مدیریت سود. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۳ (۱۲) ۶۱-۸۳
- فریدونی، فرشید. (۱۳۹۱). مجموعه قوانین. چاپ اول، تهران: موسسه انتشاراتی پژوهشگران نشر دانشگاهی.
- کردستانی، غلامرضا، و تاتلی، رشید. (۱۳۹۳). شناسایی رویکردهای کارا و فرصت طلبانه مدیریت سود در سطوح کیفیت سود. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۱ (۳): ۲۹۳-۳۱۲.
- کریمی، کیانا، و رهنمای رودپشتی، فریدون. (۱۳۹۴). تورش‌های رفتاری و انگیزه‌های مدیریت سود. فصلنامه علمی و پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۴ (۱۳): ۱۵-۳۱.
- مشایخی، بیتا، مهرانی، ساسان، مهرانی، کاوه، و کرمی، غلامرضا. (۱۳۸۴). نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۲ (۴): ۶۱-۷۴.
- نیکو مرام، هاشم، نوروش، ایرج، و مهر آذین، علیرضا. (۱۳۸۸). ارزیابی مدل‌های مبتنی بر اقلام تعهدی برای کشف مدیریت سود. مجله پژوهش‌های مدیریت، ۲۰ (۸۲): ۱-۲۰.
- Abrahamson, E. , Amir, E. (1996). The Information Content of the President's Letter to Shareholders. *Journal of Business Finance and Accounting: 23 (8) , 1157-1182.*
- Amernic, J. , Craig, R. (2007). Guidelines for CEO-speak: Editing the Language of Corporate Leadership. *Strategy and Leadership: 35 (3) , 25-31.*
- Amernic, J. , Craig, R. , Tourish, D. (2010). Measuring and Assessing Tone at the Top Using Annual Report CEO letters. Edinburgh: *Institute of Chartered Accountants of Scotland. ISBN: 987-1-904574-55-2.*
- Burgstahler, D. C. , Hail, L. , Leuz, C. (2006). The Importance of Reporting Incentives: Earnings Management in European Private and Public Firms. *The Accounting Review: 81 (5) , 983-1016.*
- Carlsson, S. , Lamti, R. (2015). Tone Management and Earnings Management. *School of Business, Economics and Law, Gothenburg University, Master Degree Project No. 2015: 18.*
- Clatworthy, M. , Jones, J. J (2003). Financial Reporting of Good News and Bad News: Evidence from Accounting Narratives. *Accounting and Business Research: 33 (3) , 171-185.*
- Clatworthy, M. , Jones, J. J (2006). Differential Reporting Patterns of Textual Characteristics and Company Performance in the Chairman's Statement. *Accounting, Auditing and Accountability Journal: 19 (4) , 493-511.*

- Courtis, J. K. (1998). Annual Report Readability Variability: Tests of the Obfuscation Hypothesis. *Accounting, Auditing and Accountability Journal: 11 (4)* , 459-472.
- Davis, A. K. , Tama-Sweet, I. (2012). Managers Use of Language Across Alternative Disclosure Outlets: Earnings Press Releases versus MD&A. *Contemporary Accounting Research: 29 (3)* , 804-837.
- Dechow, P. , Ge, W. , Schrand, C. (2010). Understanding Earnings Quality: A Review of the Proxies, Their Determinants and Their Consequences. *Journal of Accounting and Economics: 50* , 344-401.
- Feldman, R. , Govindaraj, S. , Livnat, J. , Segal, B. (2010). Management's Tone Change, Post Earnings Announcement Drift and Accruals. *Review of Accounting Studies: 15* , 915-953.
- Feradouni, F. (2012). *General Rules* (1st Ed.). Tehran: Institute of Academic Publishing Researchers. (in persian).
- Geiger, M. A. , North, D. S. (2011). Do CEOs and Principal Financial Officers Take a "Bath" Separately or Together?: An Investigation of Discretionary Accruals Surrounding Appointments of New CEOs and CFOs. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal: 15 (1)* , 1-30.
- Godfrey, J. , Mather, P. , Ramsay, A. (2003). Earnings and Impression Management in Financial Reports: The Case of CEO Changes. *ABACUS: 39 (1)* , 95-123.
- Hales, J. , Kuang, X. , Venkataraman, S. (2010). Who Believes the Hype? An Experimental Examination of How Language Affects Investor Judgments. *Journal of Accounting Research: 49 (1)* , 233-255.
- Healy, P. , Wahlen, W. (1999). A Review of Earnings Management Literature and Its Implications for Standard Setting. *Accounting Horizons: 13 (4)* , 365-383.
- Henry, E. (2008). Are Investors Influenced by How Earnings Press Releases are Written? *Journal of Business Communication: 45 (4)* , 363-407.
- Hildebrandt, H. W. , Snyder, R. D. (1981) The Pollyanna Hypothesis in Business Writing: Initial Results, Suggestions for Research. *The Journal of Business Communication*,: 18 (1) , 5-15.
- Huang, X. , Teoh, S. , Zhang, Y. (2014). Tone Management. *The Accounting Review: 89 (3)* , 1083-1113.
- Karimi, K. , Rahnamay-Roodposhti, F. (2015). Behavioral Biases and the Incentives of Earnings Management. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge: 4 (14)* , 15-31. (in persian).
- Kordestani, Gh. , Tatli, R. (2014). Identification the Efficient and Opportunistic Earnings Management Approaches in the Earnings Quality Levels. *Journal of Accounting and Auditing Review: 21 (3)* , 293-312. (in persian).

- Leuz, C. , Nanda, D. , Wysocki, P. (2003). Earnings Management and Investor Protection: An International Comparison. *Journal of Financial Economics*: 69, 505-527.
- Li, F. (2008). Annual Report Readability, Current Earnings and Earnings Persistence. *Journal of Accounting and Economics*: 45, 221-247.
- Li, F. (2010). The Information Content of Forward-Looking Statements in Corporate Filings – A Naive Bayesian Machine Learning Approach. *Journal of Accounting Research*,: 48 (5) , 1049-1102.
- Loughran, T. , McDonald, B. (2011). When is a Liability not a Liability? Textual Analysis, Dictionaries, and 10-Ks. *The Journal of Finance*,: 66 (1) , 35-65.
- Mashayekhi, B. , Mehrani, S. , Mehrani, K. and Karami, Gh. (2006). The Role of Discretionary Accruals in Earnings Management of Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Auditing Review*: 12 (4) , 61-74. (in persian).
- McConnell, D. , Haslem, J. A. & Gibson, V. R. (1986). *The President's Letter to Stockholders: A New look*. *Financial Analysts Journal*: 42 (65) , 66-70.
- Merkel-Davies, D. M. , Brennan, N. M. (2007). Discretionary Disclosure Strategies in Corporate Narratives: Incremental Information or Impressions Management? *Journal of Accounting Literature*,: 27, 116-196.
- Nikoumaram, H. , Noravesh, I. , Mehr-Azin, A. (2010). Evaluation of Accruals-Based Models for the Discovery of Earnings Management. *Journal of Management Research, Issue fall*, 20 (82) , 1-20. (in persian).
- Patelli, L. , Pedrini, M. (2014). Is the Optimism in CEO's Letters to Shareholders Sincere? Impression Management Versus Communicative Action Curing the Economic Crisis. *Journal of Business Ethics*: 124, 19-34.
- Rahmani, A. , Arbabi-Bahar, Z. (2014). The Association Between Book-Tax Difference And Earnings Management. *Journal of Empirical Research in Accounting*: 3 (12) , 61-83. (in persian).
- Rutherford, B. A. (2005). Genre Analysis of Corporate Annual Report Narratives: A Corpus Linguistic-Based Approach. *Journal of Business Communication*: 42 (4) , 349-378.
- Schipper, K. (1989). Commentary on Earnings Management. *Accounting Horizon*: 4 (3) , 91-103.
- Schrand, C. M. , Walther, B. R. (2000). Strategic Benchmarks in Earnings Announcements: The Selective Disclosure of Prior-Period Earnings Components. *The Accounting Review*: 75 (2) , 151-177.
- Tan, H. , Wang, E. , Zhou, B. (2014). When the Use of Positive Language Backfires: The Joint Effect on Tone, Readability, and Investor

- Sophistication on Earnings Judgments. *Journal of Accounting Research*: 52 (1) , 273-302.
- Teoh, S. , Welch, I. , Wong, T. (1998). Earnings Management and the Long-Run Underperformance of Seasoned Equity Offerings. *Journal of Financial Economics*: 50, 63-100.
- Thomas, J. (1997). Discourse in the Marketplace: The Making of Meaning in Annual Reports. *Journal of Business Communication*: 34 (1) , 47-66.

Archive of SID